

پرده آخر: یادداشتهایی درباره بحران سیاسی رژیم اسلامی

۳- ظهور قطب سوم

منصور حکمت

تهدید سرنگونی و فشار روز افزون مردم ناراضی و خواهان تغییر، جناحهای حکومت را بجان هم می اندازد و شکاف میان آنها را مدام عمیق تر میکند. از طرف دیگر همین واقعیت پیروزی تک جناحی را از دستور هردو خارج میکند. اگر دوم خرداد شکست بخورد، جناح راست در یک موقعیت سیاه و سفید و قطبی با اکثریت عظیم مردم روبرو خواهد شد. در این مواجهه، همانطور که خودشان میدانند، جمهوری اسلامی سریعاً در هم خواهد شکست. در نقطه مقابل، شکست راست و پیروزی دوم خرداد مردم را وسیعاً به میدان میکشاند. جنبش سرنگونی طلبی سد ها را میشکند. رژیم اسلامی کنترل اوضاع را از دست میدهد. حکومت دوم خرداد هم بسرعت بزیر کشیده میشود. هردو طرف لاجرم بشدت مواظب هستند که اولاً، پای مردم حتی المقدور بطور عملی به میدان کشیده نشود. مردم نظاره گر اوضاع بمانند و به جدال جناحها امید ببندند. ثانیاً، سیر تحول اوضاع سیاسی شتاب پیدا نکند و کند و قابل کنترل باشد. جدال جناحها بناگزیر یک سیر پلکانی مقابله-سازش را دنبال میکند. هدف این جنگ و گریز بطور قطع دست بالا پیدا کردن در حاکمیت و به تسلیم کشاندن جناح رقیب است. اما اولین قاعده این بازی، اجتناب از اتمام آن است. هر جدال باید به یک سازش جدید منجر شود. همانطور که هر سازش قرار است بعنوان نقطه ای برای شروع یک تعرض جدید بکار برود.

اما همانطور که گفتیم اوضاع اقتصادی ایران، و جنبش سرنگونی طلبی ای که مستقل از فعل و انفعالات میان جناحهای حکومت، رو به رشد و گسترش دارد، برای این سناریوی دفع وقت جای زیادی باقی نمیگذارد. در پی هر حلقه تقابل-سازش جناحها، این مردم و جنبش سرنگونی طلبی است که یک گام به جلو بر میدارد. با هر حلقه، توازن قوا میان مردم و حکومت به زیان کل حکومت تغییر میکند. در حالی که هردو طرف، و همچنین اپوزیسیون دوم خردادی و رسانه های بین المللی تلاش عظیمی میکنند تا صحنه سیاسی ایران را صحنه جدال موافقان و مخالفان آنچه "اصلاحات خاتمی" نام گذاشته اند تصویر کنند، در طول یکسال اخیر وجود یک اردوی قدرتمند مخالف هردو جناح و بیرون کل این دو قطبی سیاسی، دیگر غیر قابل انکار شده است. وقایع تیرماه، موج اعتراضات توده ای در شهرهای مختلف در ماههای اخیر و اکنون تبدیل شدن حزب کمونیست کارگری به موضوع تبلیغات و تحریکات روزمره سخنگویان و رسانه های حکومتی در ایران، هم از جناح راست و هم دوم خردادیها، تصویر کاملاً متفاوتی از اوضاع سیاسی ایران در قیاس با چهار سال قبل ترسیم میکند. اکنون دیگر حکومت خود علناً به وجود این تهدید سرنگونی و این قطب سوم اذعان میکند. شعار سرنگونی حکومت از خود رادیو و تلویزیون حکومت پخش شده است. خامنه ای در نماز جمعه علیه کمونیسم و مارکسیستها منبر میروید، دو جناح یکدیگر را به آب ریختن به آسیاب اپوزیسیون سرنگونی طلب، ضد دین و بخصوص حزب کمونیست کارگری متهم میکنند. در جریان انتخاب خاتمی در چهار سال قبل، سخن چندانانی از یک قطب و نیروی سوم نبود. در ماجرای تیرماه امسال، حکومت، از زبان هردو جناح به وجود گرایشی که اعتراض را علیرغم میل هردو طرف به خیابانها کشید، اعتراف کردند و علیه آن گرایش بساط تهدید و ارباب راه انداختند. در دوره پس از

کنفرانس برلین حکومت حتی ناگزیر شده است به هویت سیاسی و سازمانی گروهها و نیروهای دخیل در این قطب سوم بپردازد و برای اولین بار پس از سالها، از وجود یک جنبش "براندازی" و یک اپوزیسیون کمونیستی در مقابل خود سخن بگوید و جدال با این قطب را در دستور نهادها و بلندگوهای تبلیغاتی اش بگذارد.

این موقعیت نیز به سرعت متحول خواهد شد. احزاب بیرون حکومت و مخالف کلیت رژیم اسلامی با شتابی فزاینده در مرکز توجه مردم و جامعه و بناگزیر خود حکومت اسلامی قرار خواهند گرفت. دو قطبی جناح راست - دوم خرداد، بسرعت جای خود را به یک تصویر متنوع تر و چند وجهی تر از سیاست در ایران میدهد. رویدادهای اخیر از این نظر بویژه حائز اهمیت بودند که به داستان کهنه اپوزیسیون "داخل" و "خارج" خاتمه دادند. معلوم شد "اپوزیسیون خارج" که در کلام دوم خردادیها و رسانه های غربی عنوانی برای توصیف مخالفین هردو جناح است. یک نیروی فوق العاده قوی "داخل کشوری" است که مستقیما در سرنوشت قدرت سیاسی در ایران دخیل است.

دور جدید مقابله جناحها که با پیشروی انتخاباتی دوم خردادی ها شروع شد و به ضد حمله وسیع جناح راست منجر گردید، اکنون به نقطه سازش دوره ای دیگری نزدیک میشود. چند روز آینده و تعیین تکلیف مجلس ششم، مشخصات یک دوره چند ماهه را تعیین خواهد کرد. اما یک چیز مسلم است. در این دور جدید ما قطب سوم را بصورت زنده و فعال در صحنه سیاسی ایران خواهیم داشت. فحاشی های روزنامه های دوم خردادی علیه حزب کمونیست کارگری و طرفداران سرنگونی، بطور سمبلیکی آغاز این دوره جدید را اعلام میکنند. دوران "خاتمی آری یا نه" روی همان کاغذ جرائد هم دیگر به پایان رسیده است. با حضور مستقل مردم، سیاست در ایران شروع میشود.

چه نیروهای سیاسی ای، چه جنبشها و احزابی در این دوره جدید عروج خواهند کرد؟ سرنوشت آینده ایران را چه جریاناتی تحت تاثیر قرار خواهند داد؟ جدالهای آتی جامعه میان کدام نیروهاست؟ در بیرون حکومت و مدافعانش، سه جریان اجتماعی اصلی شکل میگیرد. باید به هر سه اینها از نزدیک بپردازیم.

ادامه دارد